

قصه جوجه‌ها و بچه‌ها



بچه که بودم، مادرم برایم جوجه می خرید؛ از همین جوجه‌های رنگی؛ دانه‌ای پنج تومان. اولش فکر نمی کردم بزرگ کردندشان، کار چندان سختی باشد؛ اما بعد فهمیدم پرورش جوجه‌ها، فوت و فن خودش را دارد. چند جوجه از بین رفتند تا توانستم جوجه داری را یاد بگیرم. پیرزن‌ها و پیرمردهای محله مان، از دستم عاصی بودند، از بس که به سراغشان می رفتم و از تجربه هایشان می پرسیدم. یک بار



که دوستم گفت کتابی دربارهٔ جوجه‌ها در یک کتاب فروشی دیده، سر از پا نشناختم. به سراغ کتاب فروش رفتم. کتاب، گران بود؛ اما قیمتش برایم مهم نبود. من، دغدغهٔ بزرگ کردن جوجه‌هایم را داشتم.

من باید فقط، راه پرورش جسمِ جوجه‌ها را یاد می‌گرفتم. جوجه‌های من، عاشق نمی‌شدند، با رفیق ناباب نمی‌گشتند. آنها علاقه‌ای به بازی کامپیوتری نداشتند، با دود و دم، غریبه بودند و اعتیاد در کمینشان نبود. جوجه‌های طلایی من، افسرده نمی‌شدند و من، غصهٔ بی‌خدایی آنها را نمی‌خوردم. آنها همه پرورشگاهی بودند. در دستگاه به دنیا آمده بودند و هیچ کدام، پدر و مادرشان را نمی‌شناختند تا بخواهند به والدینشان بی‌احترامی کنند. ادب در میان این جوجه‌ها، معنایی نداشت. نمی‌توانستند حرف بزنند تا چه برسد به حرف زشت. آنها فقط یک کلمه بلد بودند: «جیک جیک». گرسنه که می‌شدند، جیک جیک می‌کردند، یعنی ما دانه می‌خواهیم. آب و دانه که بهشان می‌دادم، باز هم جیک جیک می‌کردند، یعنی ممنون. جوجه‌های من، وقتی بزرگ می‌شدند، فکر مدل دادن‌های آن‌چنانی به پرو بالشان نبودند؛ زیرا آنها تلویزیون



تماشا نمی کردند که این بازیکن فوتبال و آن بازیگر سینما را الگوی خویش قرار بدهند. جوجه های من، تلفن همراه هم نداشتند تا پیامک بازی کنند و با دوستانشان برای فلان مهمانی، قرار بگذارند. جوجه ها، چت کردن، بلد نبودند. نشانی ایمیل هم نداشتند که کسی برایشان عکس و قصه بفرستد. نشانی فیس بوک هم نداشتند و در هیچ یک از شبکه های اجتماعی، عضو نبودند. آنها یک نشانی بیشتر نداشتند: «زیرزمین خانه ما، جعبه چوبی میوه که گوشه اش یک کاسه ملامین لب شکسته آب گذاشته بودم».

من، تنها نگران پرورش جسم جوجه هایم بودم و همین نگرانی، مرا وامی داشت که به دنبال راه صحیح پرورش آنها باشم.

حالا که بزرگ شده ام، بچه هایی دارم که باید هم جسم و هم روحشان را پرورش دهم؛ اما یک سؤال: دغدغه من برای پیدا کردن راه تربیت فرزندانم، آیا به اندازه نگرانی ام برای پرورش جوجه هایم هست؟

مجموعه من دیگرما؛

کتاب اول؛

«جوجه های رنگی و بچه های فرنگی»